

Date: تاریخ:
No.: شماره:
Ref.: پیوست:

کودکان خیابانی

باسمه‌ی تعالی

پدیده‌ی کودکان خیابانی از نشانه‌های بارز، آشکار، بسیار زشت و ناپسند نابسامانی‌های فرهنگی در هر جامعه‌ای است. کودکانی که در بیش‌تر مواقع، به دلیل آشفتگی‌های موجود در خانواده‌ها قادر به تحمل وضعیت خود نبوده‌اند و تنها راه‌هایی از موقعیت دشوار خویش را دور شدن هرچه بیش‌تر از خانه و یا حتی فرار دانسته‌اند. یا آن‌که شرایط عمدتاً نامناسب و نابسامان اقتصادی، به همراه فقر شدید فرهنگی، خانواده‌های گروهی از این کودکان را بر آن می‌دارد تا کودکان خویش را مجبور به انجام کار به خصوص کارهایی خلاف قاعده و عرف بنمایند. در برخی از موارد نیز گروهی سودجو با بهره‌گیری از فقر اقتصادی و فرهنگی این خانواده‌ها، به طور سازمانمند از این کودکان در کارهای بسیار خطرناک و حتی فسادآور استفاده می‌کنند که گدایی خارجی‌ترین، آشکارترین و بی‌زیان‌ترین آن‌هاست.

به هر روی، صحنه‌های واقعی اجتماع نشان می‌دهد به رغم آن‌که تعداد به نسبت زیادی نهاد و ارگان دولتی و عمومی در باره‌ی این وضعیت مسئولیت یافته‌اند لیکن در به سرانجام رسانیدن وظیفه‌ی خویش ناموفق بوده‌اند.

چنین پدیده‌ای اثری عمیق و ماندگار در وضعیت اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی جامعه و امروز و فردای آن می‌گذارد و با ایجاد بسترهای پرورش تبه‌کاران و خلافکاران حرفه‌ای، هزینه‌های زیادی را بر جامعه و دولت تحمیل می‌نماید. کودکان خیابانی که نشانه‌ی مهمی از توسعه نیافتگی هر جامعه‌ای است، نه تنها زینده‌ی کشور و ملت و دولت نیست که از نظر انسانی نیز چنان امری در هیچ جامعه‌ای تحمل پذیر نیست، به ویژه آن‌که به نظر می‌رسد تعداد افرادی که گرفتار این معضل اجتماعی می‌باشند، هر روز در حال فزونی است. بنابراین، باید اقدام‌های لازم برای مهار آن و در نهایت رفع و حل مسأله به فوریت انجام شود. از این روی، موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. چون به نظر می‌رسد این پدیده معلول تفاوت‌ها و فاصله‌های اجتماعی موجود به ویژه تفاوت حاشیه و مرکز است، لذا حل کامل آن نیز در گرو متناسب شدن چنین

- فاصله‌ای و برخوردار شدن حاشیه از امکانات مورد نیاز است و در زمانی کوتاه ممکن نخواهد بود. از این روی باید با نگاهی زمان‌بر به آن، اعتبارات لازم و مورد نیاز را هم متناسب و به اندازه‌ی کافی برای زمان طولانی در نظر گرفت.
۲. بایستی به مسأله‌ی کودکان خیابانی و کودکان کار به عنوان یک معضل و نابسامانی اجتماعی نگریسته شود و داشتن نگاه مجرمانه به مبتلایان این گرفتاری نه تنها کمکی به حل مشکل نمی‌کند که احتمالاً بر آن خواهد افزود.
۳. پس از فقر اقتصادی و یا شاید هم‌ردیف آن فقر فرهنگی اساسی‌ترین عامل مسأله است که باید با در نظر گرفتن برنامه‌های آموزشی مناسب، خانواده‌ها در این باره آگاه شوند. از این روی، لازم است ارگان‌های تبلیغی و رسانه‌ها به خصوص صدا و سیما در این رابطه فعالیت بیشتری داشته باشند و با رعایت ظرافت‌های مورد نیاز و براساس نظر متخصصان به ساخت و پخش برنامه‌های مناسب و بیش‌تر و فراگیرتری اقدام نمایند.
۴. فقر آگاهی در میان خود کودکان و نوجوانان مبتلا نیز، آنان را ناخواسته در دام خطرهای بزرگ‌تر قرار می‌دهد. لذا لازم است برنامه‌های مناسبی برای آموزش آنان از طریق آموزش و پرورش و یا دیگر نهادهای مربوط تهیه و اجرا شود.
۵. در موضوع فرار فرزندان از خانواده‌ها، فرهنگ جامعه سبب می‌شود خانواده‌ی این افراد کم‌تر راغب به پذیرش دوباره‌ی چنان فرزندان باشند، به ویژه درباره‌ی دختران، لذا با توجه به هزینه‌ی بیش‌تر فرهنگی و اجتماعی چنین موضوعی، باید با کار مناسب تبلیغی خانواده‌ها را مستعد‌بازپذیری فرزندانشان نمود.
۶. به علت تعدد مراکز و نهادهای درگیر در مسأله، لازم است مرکزی خارج از نهادهای مسوؤل در موضوع، با تشخیص رییس جمهور، وظیفه‌ی هماهنگی و نظارت بر عمل کرد آن نهادها را برعهده داشته باشد. مرکز یاد شده باید با دریافت مستمر گزارشات مربوط و نظارت بر انجام وظایف، گزارشی از روند کار و پیش‌رفت آن را در دوره‌های سه ماهه، به همراه پیشنهادات احتمالی به رییس جمهور ارایه نماید تا هم برای رفع کاستی‌ها دستور لازم را دریافت دارند و هم با نهادهایی که احتمالاً در انجام وظیفه‌های محوله کوتاهی کرده‌اند، برخورد شود.
۷. به نظر می‌رسد قانون‌های موجود در این باره، در برخی موارد، از ناسازگاری‌هایی مانند وجود مقاطع مختلف سنی برای تکلیف، ممنوعیت کار مسوولیت کیفری و مدنی، یا مشخص نبودن وضع کودکان خیابانی از نظر قانونی و یا کاستی‌هایی دیگر

رنج می‌برد که همین امر مسأله را پیچیده‌تر کرده است. بدین روی، پیشنهاد می‌شود معاونت حقوقی ریاست جمهوری با بهره‌گیری از نظر دستگاه‌های دست‌اندرکار و متخصصین دانشگاهی، در مدت شش ماه به بازنگری و تدوین قانونی جامع در این رابطه پردازد.

۸. باید یکی از نهادهای درگیر موظف شود تا در فرصتی مناسب به مطالعه‌ی علمی و دقیق عوامل پیدایش پدیده‌ی کودکان خیابانی پردازد و نتیجه‌های به دست آمده را در اختیار دیگر مراکز مسوؤل و معاونت حقوقی ریاست جمهوری قرار دهد تا در تدوین قانون پیش گفته استفاده شود.

۹. با توجه به مسوولیت نهادهای مختلف در موضوع مورد بحث لازم است نسبت به وظایف این نهادها بازنگری شود تا در صورت تداخل وظیفه و یا پوشش نیافتن وظیفه‌ای، به رفع نقص اقدام شود.

۱۰. با توجه به وضعیت عاطفی و روانی شکننده‌ی این کودکان که هرگونه بی‌توجهی به آن ممکن است تمامی برنامه‌های دیده شده را با شکست مواجه کند، لازم است نهادهای مسوؤل موظف شوند در همه‌ی مراحل برخورد با این کودکان و نوجوانان، از نیروهای آموزش دیده و باتجربه بهره بگیرند.

۱۱. بسیاری نشانه‌ها حاکی از آن است که برخی باندهای منسجم با سوء استفاده از شرایط، از این کودکان برای دست‌یابی به هدف‌های خود، همانند گدایی، دزدی سوء استفاده‌ی جنسی و یا حتی فروش اعضای بدن، بهره می‌گیرند. بنابراین بایست با اقدام‌های هماهنگ و لازم‌الاطلاعاتی، این باندها شناسایی و منهدم شوند.

۱۲. در بازنگری قوانین مربوط، لازم است مجازات‌های سنگینی برای عوامل اصلی این گونه باندها پیش‌بینی شود.

۱۳. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که سبب می‌شود تا کودکانی که آسیب‌های گوناگون اجتماعی آنان را به خیابان کشانیده است، جذب باندهای یاد شده گردند به دست آوردن سرپناهی برای گذران روز و شب، داشتن خورد و خوراکی برای زنده ماندن و یافتن پشتیبانی در برابر دیگر خطرات باشد. از این روی، باید ارگانی همانند بهزیستی با یاری نیروی انتظامی، و یا حتی با بهره‌گیری از مؤسسه‌های مردمی، به دور از سخت‌گیری‌های مرسوم اداری، با ایجاد مراکزی، این حداقل‌ها را در اختیار کودکان و نوجوانان آسیب دیده بگذارند.

۱۴. باید با در پیش گرفتن سیاست‌های حمایتی و تبلیغی کارساز، از مشارکت‌های مردمی و ظرفیت‌های موجود در جامعه برای حل مشکل بهره گرفت. در این رابطه باید برخی نهادهای غیر دولتی فعال در این امر تشویق به فعالیت بیشتر و گسترده‌تر شوند و موانع احتمالی آنان در این راه شناسایی و برطرف شود.